

دو فصلنامه پژوهشنامه فقه و نظام سازی عدالت

سال اول - شماره اول - بهار و تابستان ۹۶

حدّ سفر شرعی (مسیره یوم)

ولی الله محببى اَشْنى^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۹

چکیده:

شکسته خواندن نماز در سفر، آن گونه که روایات بدان تصریح دارد وابسته به دو سنجه زمانی و مکانی است تحت عنوان «مسیره یوم» و «ثمانیه فرسخ» و معادل‌های آن دو. در این مقاله با روش تحلیل دلالی روایات و ظواهر دیدگاه فقهای گذشته رضوان الله علیهم روشن شده است که ملاک اصلی در قصر صلاه، «مسیره یوم» است نه «هشت فرسخ»، و از مجموع مباحث این نتیجه حاصل آمده است که سفر در این عصر با ملاک هشت فرسخ که در واقع حداکثر ۴۵ کیلومتر می‌باشد نه از جهت ملاک حکم - تعب و رنج حاصل از سفر - و نه از جهت ملاک متعلق حکم نمی‌تواند مستند افتاء قرار گیرد بلکه باید به نظر اهل فن، وسائل نقلیه عمومی در عصر حاضر در یک روز - «مسیره یوم» - چند صد کیلومتر راه طی می‌کنند آن را ملاک قصر قرار داد.

کلید واژه‌ها: سفر شرعی، مسیره یوم، بیاض یوم، قصر، اتمام.

مقدمه:

شکسته خواندن نماز در سفر با توجه به آنچه که در روایات آمده و در کلمات فقها نیز محور قرار گرفته است، ناشی از تخفیف و ترخیصی است که از سوی شارع به خاطر رنج و تعب حاصل از سفر مجاز و بلکه واجب گردیده است. تصریح بر این معنی در روایتی که فضل بن شاذان از امام رضا (علیه السلام) نقل نموده آمده است. آن جناب می‌فرماید: «فان قال: فلم قصرت الصلاة في السفر؟ قيل: لان الصلاة المفروضة اولا انما هي عشر ركعات، و السبع انما زيدت فيما بعد، فخفض الله عنه تلك الزيادة لموضع سفره و تعب و نصبه و اشتغاله بامر نفسه و وضعه و اقامته لئلا تشتعل عما لا بد له من معيشته رحمه من الله تعالى» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

اگر علت وجوب تقصیر در سفر رنج و تعب باشد، لازم است به این مسأله توجه نمود که آیا این محدوده‌ی مکانی - هشت فرسخ - می‌تواند موجبات رنج و تعب و خستگی را در عصر امروز فراهم آورد؟ به عبارت دیگر امروز این مسأله جدی فرا روی ماست که سفر در اصطلاح شریعت واقعاً چیست؟ در تعالیم ثقلین آنچه که روشن است این است که بر مطلق کسی که طی مسافت می‌نماید احکام مسافر مترتب نمی‌شود؛ هر چند در لغت عرب سفر عبارتست از «قطع المسافة» (جوهری، ۱۴۱۰: ۶۸۵).

در مراجعه به منابع اصلی احکام یعنی کتاب و سنت متوجه می‌شویم که کتاب در بیان حکم از ماده‌ی «سفر» نام نبرده است، بلکه با عبارت «ضرب فی الارض» از آن تعبیر نموده است و از سوی دیگر به روشنی حدود آن را تعیین نفرموده است و از این جهت کتاب اجمال دارد. اما سنت در تعیین محدوده‌ی سفر که می‌توان از آن تعریف شریعت از سفر را به دست آورد تفصیلاً وارد شده است. آنچه از بیان سنت به دست می‌آید این است که احکام خاص سفر بر سفری مترتب می‌گردد که با قطع مسافت معین و در زمان معین همراه باشد؛ لذا مقدار این مسافت از صدر اسلام تا کنون مورد توجه بوده است به طوری که احادیث فراوانی از فعل و قول و تقریر معصومین (علیهم السلام) در این ارتباط به دست ما رسیده است.

در بیان سنت دو سنجه در تعیین مقدار سفر آمده است: یکی سنجه زمانی و دیگری سنجه مکانی.

تردید نیست که این دو سنجه در عصر تشریح بر یکدیگر انطباق داشته‌اند، لیکن در عصر حاضر انطباق آن دو بر یکدیگر به طور قطع متفی است؛ ناگزیر باید از یکی از آن دو دست

برداریم؛ زیرا در این عصر وجه جمعی میان این دو سنجه و دو میزان به عنوان ملاک سفر وجود ندارد. تمرکز این رساله بر یافتن ملاک اصیل در سفر می‌باشد تا ترجیح بلا مرجح لازم نیاید. لذا به نظر می‌رسد تعریف شرعی سفر نیازمند تأمل و بازنگری جدی در عصر حاضر است و این رساله شاید فتح بابی باشد در این ارتباط.

۱. حکم نماز مسافر

قصر نماز همانند سایر موضوعات فقهی دارای دو جنبه است، یکی اصل حکم و دیگری بیان شرایط و کیفیات دخیل در حکم. به طور طبیعی جنبه‌ی دوم مترتب بر اصل حکم است. زیرا تا زمانی که حکم موضوعی مشخص نباشد سخن از کیفیت و شرایط آن بی معنی خواهد بود. در قرآن کریم آیه ۱۰۱ سوره مبارکه نساء خداوند می‌فرماید: «و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاة» (سوره نساء آیه ۱۰۱). یعنی: آنگاه که در زمین سفر کردید پس جناح و گناهی بر شما نیست که از تعداد رکعات نماز کم کنید.

چند فقره در آیه شریفه نیازمند بررسی و دقت است تا حکم روشن شود. نخست آنکه مقصود از «ضرب فی الارض» طی مسافت مکانی است که در لغت آن را سفر می‌نامند؛ زیرا «ضرب الارض» با «ضرب فی الارض» متفاوت است. نفس وجود دال بر ظرفیت مفید این معنی است که مقصود از آن طی مسافت است.

دوم آنکه تعبیر «لا جناح» مرکب از «لا» نفی و ماده «جناح» می‌باشد، دلالت «لا نافی» روشن است و معنی آن نیز نفی مدخول آن است. در توضیح ماده «جناح» ابن فارس می‌نویسد: «یادل علی المیل و العداوان» (احمد بن فارس، ذیل ماده جناح)

وی اضافه می‌کند که «والجناح: الاثم، سَمی بادلک لمیله عن طریق الحق» ظاهر از ترکیب «لا نافی» و «جناح» این است که حرمت از تقصیر صلاۀ در فرض سفر برداشته شده است.

البته غالباً این تعبیر وقتی به کار گرفته می‌شود که تنها حرمت و منع، از کاری برداشته شود. و افاده امر و دستور به آن کار را متضمن نیست لذا برداشته شدن منع از شکسته خواندن نماز در حقیقت به معنی نفی حرمت است و به دلیل اینکه احکام تکلیفی در پنج حکم و خوب، حرمت، استحباب، اباحه و کراهت، منحصر است پس با زوال حرمت، یکی از چهار حکم باقی مانده، بایستی جایگزین شود.

ولی در این آیه، مراد از نفی جناح چیزی جز وجوب و الزام نیست به دلیل صحیحی زراره و محمد بن مسلم که از امام باقر (علیه السلام) در مورد کم و کیف نماز مسافر پرسیدند، حضرتش در جواب فرمودند:

ان الله عزوجل يقول: «وإذا ضربتم في الأرض فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلوة فصار التقصير في السفر واجباً كوجوب التمام في الحضر»

قصر خواندن نماز در سفر واجب شد همانند وجوب تمام خواندن آن در حضر. زراره و محمد بن مسلم می‌گویند از آن حضرت پرسیدیم: خداوند فرموده بر شما گناهی نیست، و به انجام آن دستور نفرمود پس چگونه از آن وجوب استفاده می‌شود؟ امام (علیه السلام) در جواب فرمودند: مگر خداوند در مورد سعی بین صفا و مروه نفرمود: «فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليهما يطوف بهما».

آیا ملاحظه نمی‌کنید که سعی بین آن دو، واجب و فریضه الهی است با آنکه در آیه تعبیر به لا جناح شد علتش آن است که از طرفی خداوند آن را در کتابش ذکر نمود و پیامبرش (صلی الله علیه و آله) نیز به آن عمل نمود (و هرگز ترک نکرد) در موضوع شکسته خواندن نماز در سفر نیز عیناً به همین نحو است که خداوند در کتابش آن را عنوان فرمود و حضرتش آن را ترک نکرد.

۲. بیان دو سنجه زمانی و مکانی

آنچه که از سنت به دست می‌آید این است که هر قطع مسافتی موجب تقصیر صلاه و افطار صوم نیست، بلکه قطع مسافتی خاص موجب آن است. مقدار تعیین شده در روایات به صورت دو سنجه و میزان بیان شده است

یکی سنجه زمانی، که مقدار سفر شرعی با ظرف زمان تعیین شده است و دوم سنجه مکانی است که مسافت شرعی موجب شکسته شدن نماز، با ظرف مکان معین گردیده است.

۳. مفهوم شناسی عناوین سنجه‌ها

قبل از ذکر احادیث و بررسی سندی و دلالتی آن لازم است عناوین مطرح شده در آنها برای سنجه زمانی و مکانی بدقت مفهوم شناسی شود.

۳-۱ مفهوم شناسی عناوین سنجه زمانی

برای سنجه زمانی دو عنوان در روایات مطرح است «مسیره یوم» و «بیاض یوم» هر دو تعبیر در واقع به یک معنی اشاره دارند و آن مدت زمانی است که قطع مسافت در آن صورت می‌پذیرد. «یوم» به عنوان ظرف زمانی به اضافه «مسیره» که مصدر میمی است و به معنای سیر، در واقع تعیین کننده مدت زمان سیر است. عبارت «بیاض یوم» بیان و تفسیر یوم شرعی است برای تقصیر نماز؛ زیرا بیاض یوم که به معنی فاصله زمانی میان فجر و غروب است، در برخی از ادله به عنوان ظرف زمانی که قطع مسافت در آن موجب تقصیر در نماز می‌گردد آورده شده و حال آنکه «مسیره یوم» قابلیت این را دارد که به مدت زمان بین طلوع آفتاب و غروب آن اطلاق گردد. لذا به نظر می‌رسد که «بیاض یوم» تفسیر کلمه یوم در روایاتی است که «مسیره یوم» در آنها به عنوان حد سفر شرعی تعیین گردیده است. در صحیحہ علی بن یقظین از امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) آمده است: «از امام راجع به مردی پرسیدم که به سفری می‌رود که مسافت آن (مسیره یوم) یک روز راه است؟ امام فرمود: بر او تقصیر واجب است اگر یک روزه راه را پیموده باشد (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۲۵). این روایت همانگونه که از ظاهر آن پیداست مسیره یوم را به عنوان حد سفر شرعی معرفی می‌نماید. «مسیره یوم» به دلیل اینکه زمان و فاصله زمانی آن تا حدودی مبهم است در روایت دیگر «بیاض یوم» که به محدوده زمانی از فجر تا غروب اطلاق می‌گردد به عنوان حد سفر شرعی موجب تقصیر تعیین گردیده است. در صحیحہ ابی ایوب از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «سألته عن التقصیر قال: فقال (علیه السلام): فی بریدین او بیاض یوم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸ ص ۴۵۱).

صاحب جواهر اعلی الله مقامه در این خصوص بیانی دارد که به اختصار نقل می‌کنیم: «مراد مسیره یوم تمام است مثل یوم در بحث صوم چون روایات متعددی وجود دارد از قبیل صحیحہ زرارہ و محمد بن مسلم و نیز خبر بجلی و صحیحہ علی بن یقظین که ظهور دارند در اراده یوم صائم و روز روزه دار، زیرا در این روایات تعبیر به بیاض یوم شده است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۳).

۳-۲ مفهوم شناسی عناوین سنجه مکانی

برای این سنجه در روایات عناوین متعددی وجود دارد از قبیل: بریدین (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵۱)؛ ثمانیه فراسخ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵۱)؛ اربعه و عشرون میلا (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲۱، و ۱۳۹۰: ۲۲۳) که اختلاف در تعبیر روایات موجب اختلاف در تعیین مسافت مکانی نمی‌گردد. زیرا «بریدین» یا «ثمانیه فراسخ» و یا «اربعه عشرون میلا» همگی منطبق بر همدیگرند. توضیح اینکه «برید» در قدیم فاصله بین دو ایستگاه پست بوده که چهار فرسخ می‌باشد و امرا و حاکمان از آن برای انتقال سریعتر اطلاعات بهره می‌گرفتند (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۷) که مجموع رفت و برگشت آن (۴×۲) مساوی هشت فرسخ است. هر فرسخ نیز برابر سه میل است که از ضرب هشت فرسخ در سه میل، بیست و چهار میل حاصل می‌آید (طریحی، ۱۴۱۶: ۱۸۱).

و طریحی در مجمع البحرین می‌گوید: برید به معنای پست چی و پیام رسان است و لذا گفته‌اند «الحمی برید الموت» تب پیام آور مرگ است البته در اصل یک کلمه فارسی است «بریده دم» زیرا مرکب‌های نامه‌رسان، استرهای بریده دم بودند آنگاه با تخفیف و تغییر عبارت، برید شد و اسم برای خود نامه رسان گردید سپس اسم شد برای آن مسافتی که نامه رسان طی می‌کند (طریحی، ۱۴۱۶: ۱۸۱).

در صحیح زراره و محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «قد سافر رسول الله (صلی الله علیه وآله) الی ذی خشب و هو مسیره یوم من المدینه یكون الیها بریدان اربعه عشرون میلا فقصر و افطر فصار سنه» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۷۸) مستفاد از این روایت این است که اولاً قصر صلاه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و با فعل شخص آن جناب محقق شده است. ثانیاً در این روایت همانند بسیاری دیگر از روایات باب از دو ظرف زمانی و مکانی برای تحدید سفر شرعی استفاده شده است. هم «مسیره یوم» در این روایت آورده شده و هم تعیین «بریدان» و هم اینکه فاصله مکانی مدینه و ذی خشب دو برید است.

۴. بررسی سندی روایات

مخفی نباشد که روایات این بحث، چه روایات قبل و چه روایاتی که در ادامه می‌آید- خصوصاً روایات مربوط به مورد اول و دوم (مسیره یوم و بیاض یوم) - که در ما نحن فیه مستند اصلی بحث هستند - از نظر سند معتبرند که در ابتدای نقل هر یک به اختصار اشاره شده و شهید اول ره در کتاب ذکری بدان تصریح فرموده و سند همه این اخبار را معتبر

می‌داند: «يقدر المسافه ثمانيه فراسخ أو مسير يوم ... و اسناد هذه الاخبار كلها معتبره ...» (عامل، ۱۴۱۹: ۲۵۷).

آیه الله خوئی ره نیز در این خصوص می‌فرماید: «النصوص بها متکثره، بل لعلها متواتره و لو إجمالاً، و فيها الصحاح و الموثقات» (الخوئی، ۱۴۱۸: ۴)

۵. بررسی دلایلی روایات

۱-۵ بیان اتحاد عناوین در عصر تشریح و اعصار مشابه

عناوین چندگانه فوق، گرچه از نظر مفهوم متغایرند و لکن از نظر مصداق و وجود خارجی - در عصر معصوم و اعصار مشابه آن - بر یکدیگر منطبق بلکه با هم متحد بوده‌اند. احادیث متعددی از صحیح و موثق و غیر آن بر همین اتحاد دلالت صریح دارد که بخشی از آنها ذیلاً آورده می‌شود:

«عن أحمد، عن الحسين، عن الحسن، عن زرعه، عن سماعة قال: سألته عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيره يوم وذلك بریدان وهما ثمانيه فراسخ ...» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰۷، و ۱۳۹۰: ۲۲۲).

با کلمه «ذلک» مسیره یوم با بریدان متحد شد و با کلمه «هما» بریدان با ثمانیه فراسخ متحد گردید.

«زراره و محمد بن مسلم عن الصادق (عليه السلام) قال: وقد سافر رسول الله (صلى الله عليه وآله)، إلى ذي حشب وهو مسيره يوم من المدينة يكون إليها بریدان: أربعة وعشرون ميلاً فقَصَرَ وأَفْطَرَ فصار سُنَّةً» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۷۸).

که در این حدیث مسیره یوم با بریدان و اربعه عشرون میلا، بر یکدیگر منطبق، و با هم متحد شدند.

«عن الحسين بن سعيد، عن النضر، عن عاصم بن حميد، عن أبي بصير قال: قلت لابي عبد الله (عليه السلام): في كم يقصر الرجل؟ قال: في بياض يوم أو بریدين» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲۲، و ۱۳۹۰: ۲۲۳).

تنها اشکالی که در این مورد پیش می‌آید ظاهر صحیحه ابی بصیر است که در این روایت جناب ابی ابصیر می‌گوید: قلت لابی عبد الله (عليه السلام) في كم يقصر الرجل؟ قال: في بياض يوم أو بریدين (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۸۷-۲۸۶).

تقریباً این سیاق در صحیحۀ ابی ایوب نیز تکرار شده است؛ در این روایت نیز از امام نقل شده که در مورد حدّ تقصیر فرموده است: «فی بریدین او بیاض یوم» (عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵۱) آن گونه که ابن هشام در مورد معنی حرف عطف «او» گفته غالباً به دو معنی تخییر و اباحه به کار می‌رود؛ البته مشروط به آنکه بعد از طلب واقع شود. در این روایت هر چند دال بر معنی طلب در کلام نیامده است؛ لیکن به نوعی امر و دستور در آن نهفته است. شاهد بر این معنی سخنی از اصولیون است که می‌گویند: گاهی جمله خبریه به معنی انشاء است. (نائینی، بی تا: ۱۲)، چنانچه که غالباً اخباری که در بیان احکام وارد گردیده است، چنین است.

حرف عطف در روایات پسین با حرف عطف موجود در صحیحۀ نخستین زرارۀ از این جهت موهم تخالف بین دو دسته از روایات است که در صحیحۀ نخستین زرارۀ و محمد بن مسلم حرف عطف (واو) دلالت بر جمع و در دو روایت اخیر حرف عطف (او) است که دلالت بر تخییر و اباحه می‌نماید. ظاهراً بین دو معنی وجه جمعی نیز وجود ندارد؛ هر چند ممکن است (او) در دو روایت به معنی (واو) و دال بر جمع باشد. لذا صاحب جواهر با توجه به امکان احتمال این توهم می‌نویسد: «فالتريد بين بياض اليوم و البريدين في خبر ابى بصير السابق تريد فيما يسهل على المكلف اعتباره والا فهما شيء واحد في نظر الشارع لا انهما امران مختلفان فمسير اليوم عنده عبارة عن قطع بریدين وبالعكس و متى تحقق احدهما تحقق الآخر في نظره كما هو واضح» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۵ و ۱۹۶).

در این روایات - و روایات دیگری که نیازی به ذکر آنها نیست - به وضوح هریک از این موازین با دیگری تفسیر شده بلکه با کلماتی از قبیل وهو کذا یا وهما کذا هریک متحد با دیگری دانسته شده است همانطور که صاحب جواهر ره به این معنا تصریح فرمود.

۲-۵ دیدگاه فقهاء پیرامون اتحاد عناوین

۱- شیخ صدوق (م ۳۸۷ ق) در مقنع می‌فرماید: «محدوده‌ای که در آن واجب است شکسته خواندن نماز دو برید - هشت فرسخ - رفت و برگشت است و این همان مسیره یوم است» (صدوق، ۱۴۱۵: ۱۲۵).

۲- علامه حلی (م ۷۲۷ ق) در معتبر فرمود:

در نزد ما امامیه هیچ خلافتی نیست در وجوب قصر صلاه در هشت فرسخ، به جهت آن که سماعه از امام علیه السلام پرسید در چه مقدار مسافت نماز شکسته می‌شود؟ فرمودند: در مسیره یوم (حلی، ۱۴۰۷: ۴۶۵).

علامه در ادامه می‌فرماید: و این همان دو برید است و آن دو برید همان هشت فرسخ است.

۳- شهید اول (م ۷۸۶ ق) در کتاب بیان:

شرط دوم در سفر آن است که مسافر قصد مسافت کند و این مسافت همان مسیره یوم و بریدان می‌باشد هر برید چهار فرسخ است و هر فرسخ سه میل. (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۵۴) و در ذکری فرموده است: مسافت با هشت فرسخ یا مسیره یوم اندازه گیری می‌شود ... (عاملی، ۱۴۱۹: ۲۵۷)

۴- شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) در روض الجنان:

«شکسته خواندن نماز شش شرط دارد شرط اول مسافت است که آن هشت فرسخ است ولی در خبر فضل بن شاذان علت ملاک بودن هشت فرسخ را مسیره یوم دانسته به سیر شتران باربر» (عاملی، بی تا: ۳۸۳).

۵- احمد بن فهد حلی (م ۸۴۱ ق) در المذهب البارع می‌گوید:

«در کمتر از مسافت شرعی نماز شکسته نیست و آن به دو نحو اندازه گیری می‌شود الف: با سنجه زمان پس کفایت می‌کند مسیره یوم. ب: سنجه مکانی و آن هشت فرسخ است» (حلی، ۱۴۰۷: ۴۸۰).

۶- سید محمد عاملی (م ۱۰۰۹ ق) در مدارک الاحکام:

«فقهاء فریقین همه اجماع دارند بر شرط بودن مسافت در سفر شرعی ولی اختلاف کرده‌اند در مقدار این مسافت البته فقهاء شیعه اجماع دارند که شکسته خواندن نماز واجب است در سیر یک روز تمام (که همان) بریدین و بیست و چهار میل است» (عاملی، ۱۴۱۱: ۴۲۸).

۷- محقق بحرانی (م ۱۱۸۶ ق) در الحقائق الناضرة:

«فقهاء ما اجماع دارند که قصر صلاه واجب است در سیر یک روز تمام (که همان) بریدین و هشت فرسخ است» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۹۸ و ۳۰۳).

با تأمل و دقت در کلمات فقهاء، روشن می‌شود که آنان:

۱. مسافت هشت فرسخ را معادل مسیر یک روز تمام دانسته‌اند در قدیم این دو ملاک بیانگر واقعیت واحدی بوده و آن اینکه هشت فرسخ برابر یک روز سفر است، ولی اکنون مسافت طی شده در یک روز چندین و چند برابر هشت فرسخ است.
۲. مطلب مذکور را مورد اجماع فقهای امامیه دانسته‌اند.

۶. تعیین ملاک اصلی در حد سفر شرعی

در مجموع برای تحدید سفر شرعی با ملاک و «سنجه زمانی» دو تعبیر آمده است و برای بیان حد سفر شرعی با ملاک و «سنجه مکانی» سه تعبیر در روایت وارد شده است. حال باید با توجه به ادله و مفاد آنها، نسبت میان آنها را تعیین نمود. اگر میان این امور نسبت بعضی به بعض نسبت کلی به مصداق و از قبیل جری و تطبیق باشد که برخی از آنها در واقع - با توجه به وسائل نقلیه موجود در آن عصر - مصداق برخی دیگر به شمار می‌رفته طبیعی‌ترین نتیجه آنست که مصادیق نمی‌تواند اصل و پایه در تحدید سفر شرعی قرار بگیرد، بلکه آنچه که اصل است و می‌تواند ملاک واقع شود تعابیر و سنجه‌های کلی است. ولی اگر همه سنجه‌ها در عرض یکدیگر باشند دچار تعارض خواهیم شد. تعیین هر کدام بی تردید محتاج تأمل در روایات و ظواهر آن می‌باشد.

۱-۶ بررسی دلالتی روایات و تعیین ملاک اصلی

همانگونه که در مبحث قبل به آن اشاره گردید برخی از روایات تعبیری دارند که می‌تواند به توهم تخالف میان دو دسته از روایات دامن بزند. از این رو لازم است به تک تک روایات مراجعه و دلالت هر کدام را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

الف: «مسیره یوم»

چند روایت در این زمینه قابل توجه است:

روایتی که صدوق در علل از فضل بن شاذان از امام رضا (علیه السلام) نقل نموده در این روایت امام می‌فرماید: «اگر گفته شود، چرا تقصیر در هشت فرسخ نه کمتر و نه بیشتر واجب گردید؟ گفته خواهد شد: چون هشت فرسخ «مسیره یوم» برای عموم و قافله‌ها و باربرهاست؛ لذا تقصیر در «مسیر یک روز» واجب گردیده است. اگر گفته شود که چرا تقصیر در مسیر یک روز واجب گردید؟ گفته خواهد شد: اگر در مسیره یوم واجب نشود در مسیره یک سال

واجب نخواهد شد؛ زیرا فردا مثل امروز است و لذا اگر در امروز واجب نگردد در مثل آن نیز واجب نخواهد شد». (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۵۴ / حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵۱).

در این روایت و در نخستین تعلیل، امام علت وجوب قصر در هشت فرسخ را «مسیره یوم» قرار می‌دهد. از این تعلیل روشن می‌گردد که هشت فرسخ به خودی خود ملاک حکم نیست، بلکه از آن جهت که هشت فرسخ در آن عصر نهایت قطع مسافت در حرکت متوسط در یکروز است و مصداقی از مصادیق مسیره یوم می‌باشد، به عنوان حد سفر شرعی تعیین گردیده است.

روایتی که محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌نماید. در این روایت محمد بن مسلم می‌گوید: «سألته عن التقصیر قال: فی برید، قال: قلت: برید؟ قال: انه ذهب بریداً و رجع بریداً فقد شغل یومه» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲۴). در این روایت دو نکته قابل تأمل است یکی تعجب روای از کفایت یک برید یعنی چهار فرسخ برای شکسته شدن نماز و پاسخ امام علیه السلام که این همان هشت فرسخی است که در سایر روایات بوده و محمد بن مسلم از امام باقر و صادق علیهما السلام شنیده است نکته دیگر که محل بحث ماست و نیاز به دقت بیشتر دارد ذکر علت اصلی دخالت داشتن بریدین در قصر صلاه است با این بیان که «فقد شغل یومه» یعنی چرا بریدین موجب تقصیر است چون روز او را اشغال کرده است این تعلیل به خوبی نشان می‌دهد که قطع مسافت یک روزه «مسیره یوم» ملاک اصلی است.

ب: علّیت «بیاض یوم» برای تقصیر

روایات متعددی در باب تعیین «بیاض یوم» برای تعیین حد سفر شرعی به دست ما رسیده است. در یکی از این روایات که راوی آن عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق (علیه السلام) است. عبد الرحمن بن حجاج می‌گوید به امام عرض نمودم: «کم أدنی ما یقصر فیهِ الصلاة؟ قال: جرت السنه بیاض یوم، فقلت: إن بیاض یوم یختلف، یرسیر الرجل خمسۀ عشر فرسخاً فی یوم و یرسیر الآخر اربعۀ فراسخ و خمسۀ فراسخ فی یوم، قال {الراوی} فقال (علیه السلام): إنه لیس إلى ذلك ینظر أما رأیت سیر هذه الامیال بین مکة و مدینه، ثم اوماً بیده اربعۀ عشرون میلاً یكون ثمانیۀ فراسخ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲۴).

این روایت نیز بر این مدعا دلالت واضح دارد که بیاض یوم ملاک اصلی تقصیر است چون فرمود: «جرت السنه بیاض یوم». البته مصادیق آن را نباید با حرکت و سیر شخصی افراد که

بسیار متفاوت است تعیین کرد و لذا فرمودند نظر به این گونه سیر و حرکت شخصی نیست و این‌ها در حقیقت ملاک نیستند بلکه ملاک سیر عمومی قوافل است که امیال و مسافت بین مکه و مدینه را طی می‌کنند.

به هر حال پاسخ امام (علیه السلام) برای سؤال‌های بعدی و نیز خود سؤال‌های راوی حاوی این نکته است که «بیاض یوم» و یا به عبارت دیگر ظرف زمانی کانون اصلی این گفتگو واقع شده است. پس به طور قطع می‌توان گفت که «بیاض یوم» محور اصلی است. در گذشته نیز یاد آوری گردید که «بیاض یوم» در حقیقت تفسیر «مسیره یوم» است. حاصل آنکه قطع مسافت در مدت زمان روشنایی روز حد سفر شرعی است؛ لیکن نکته اساسی این است که بیاض یوم اگر به عنوان محدوده زمانی و ملاک اصلی در تعیین سفر شرعی قرار داده شود، آیا حدود خاصی برای آن باید در نظر گرفته شود و یا اینکه به اطلاق خود باقی باشد؟ علت طرح این پرسش آنست که «بیاض یوم» و «مسیره یوم» متغیر وابسته‌اند نه متغیر ثابت. وابستگی آن دو، هم به مسافر است و هم به ایام و هم به وسایل سفر و دیگر امور؛ لذا این مسأله به طور پیش فرض برای راوی مطرح بوده و فرمایشات امام در این روایت ناظر به پاسخگویی به این سؤالات می‌باشد. به همین جهت پاسخ امام با اشاره به سیر عمومی قوافل که یک سیر معین و ثابتی در عرف عامه مردم است در آن زمان نشانه‌ای آن است که متغیرات در محل بحث متغیرات ثابتند نه وابسته.

پس اگر متغیرهای ثابت را بپذیریم و شرایط زمانی بیان حکم را نیز به آن ضمیمه نماییم، حد سفر شرعی (در آن عصر) همان هشت فرسخ و بیست و چهار میل می‌شود. لذا مرحوم صاحب جواهر متذکر این نکته شده می‌نویسد: «لما كان مسير اليوم مختلفاً بحسب الامكنه والازمنه والسائرين و دوآب السیر والجد فیه و عامه و غیر ذلک ربما حصل فیه اختلاف ایضاً فی تقدیره [السفر] لو وقع باللیل او الملقق منه و من النهار، ... قدره الشارع بالبریدین ...» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۶۹ و ۳۷۰).

ممکن است کسی بگوید: فرمایش صاحب جواهر در عین متانت خالی از این نکته است که آیا مقدار مسافت تعیین شده چه بریدین باشد و چه هشت فرسخ و چه بیست و چهار میل تابع شرایط موجود در عصر تشریح است والا ملاک اصلی در تعیین مسافت، مسافتی است که در یک روز متوسط و با وسیله نقلیه متوسط (وسیله نقلیه عمومی در هر عصر) قابل طی شدن

است؟ و یا اینکه علاوه بر اعتبار کمیت زمانی کمیت مکانی نیز در آن دخالت دارد، ظاهر کلام صاحب جواهر حکایت از نگاه تلفیقی ایشان به مسأله است.

در جواب باید گفت بله در بدو امر، نگاه ایشان نه تنها تلفیقی که اتحادی است زیرا می‌فرماید: «فهما [بیاض الیوم و البریدین] شیء واحد فی نظر الشارع لأنهما امران مختلفان ... فمسیر الیوم عنده عبارة عن قطع بریدین و بالعکس و متی تحقق احدهما تحقق الآخر فی نظره» (نجفی، ۱۴۰۴: ۹۳).

از این فرمایش اخیر که «متی تحقق احدهما تحقق الآخر فی نظره» بی‌تردید مربوط به عصر شارع و اعصار مشابه است زیرا در عصر ما با تحقق احدهما (هشت فرسخ) دیگری (بیاض یوم) قطعاً محقق نمی‌شود و لذا ایشان در جای دیگر در یک نگاه کلی می‌فرماید: «وأن المراد الاعتدال من الوقت والسير والمكان بمعنى اعتبار الوسط من الثلاثة». که مراد و ملاک، سیر متوسط و معتدل وسائل عمومی هر عصر است در جاده معتدل و مناسب، و روز معتدل بهاری نه طولانی تابستانی و نه کوتاه زمستانی.

۲-۶ دیدگاه فقهاء رضوان الله عليهم در تعیین ملاک اصلی

کلمات فحول از فقهاء در عصر متقدم و میانه نیز ظهور در آن دارد که به اصیل بودن «مسیره یوم» معتقد بوده‌اند. منتها این نکته را نباید از یاد ببریم که وسایل سفر در این دو عصر پس از غیبت، تفاوتی با عصر حضور معصوم نداشته است. در عین حال ظاهر کلام این بزرگان با تناظر با روایات، اصالت را به مدّت زمان سفر داده‌اند. بخشی از کلمات ایشان در ذیل عنوان می‌شود.

۱- شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در مقنع:

شیخ صدوق در این مورد می‌نویسد: «والحدّ الذی یجب فیہ التقصیر مسیره بریدین ذاهباً او جائئاً و هو مسیره یوم» (صدوق، ۱۴۱۵: ۱۲۵). این نوع تعبیر نشان می‌دهد که اصل در علت تقصیر «مسیره یوم» است؛ زیرا ضمیر «هو» در عبارت: «وهو مسیره یوم» در کلام ایشان به حدّ سفر بر می‌گردد که از نظر ایشان حدّی که موجب تقصیر می‌شود همان مسیره یوم است، اما «بریدین» در فرمایش ایشان همانند تعابیر روایات در واقع تعیین مصداق است. شبیه این تعبیر در کلام شهید اوّل نیز دیده می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «کون المقصود مسافه وهی مسیره یوم بریدان، کل برید اربعه فراسخ کل فرسخ ثلاثة امیال» (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۵۴)

۲- محقق حلی (م ۶۷۶ ق) در معتبر:

محقق حلی نیز با اهمیت دادن به «مسیره یوم» در تقصیر، با استناد به دو روایت، طی نمودن مسافت «مسیره یوم» را ملاک اصلی در سفر شرعی می‌داند و می‌نویسد: «الشرط [فی صلاة المسافر] خمسة، الاول: المسافة و هي اربعة و عشرون ميلا مسير يوم تام و هو مذهب علمائنا اجمع ... لنا: ان مسير يوم يسمي سفرًا فيثبت معه القصر. اما ان مسير اليوم سفر فلقوله (عليه السلام): لا يحل لامرأة تؤمن بالله و اليوم الآخر أن تسافر مسير يوم الا مع ذي محرم و لان القصر لو لم يثبت مسير يوم لما ثبت مع ما زاد لأن المشقة تزول براحة الليل» (حلی، ۱۴۰۷: ۴۶۵).

که بیست و چهار میل را به جهت آن که مسیره یوم است مسافت شرعی می‌داند و نیز استناد ایشان به این حدیث شریفی که ملاک سفر شرعی را به مسیره یوم دانسته و زوال مشقت سفر را به استراحت شب.

صریح‌تر از فرمایش فوق فرمایش دیگر ایشان است که در شرایع الاسلام بدان تصریح نموده است و می‌نویسد: «لو كانت المسافة اربعة فراسخ و اراد العود ليومه فقد كمل مسير اليوم و وجب التقصير» (حلی، ۱۴۰۸: ۱۰۱) مستفاد از تعبیر ایشان این است که چهار فرسخ رفت و برگشت بدین جهت سفر شرعی به حساب می‌آید که سیر و حرکت، یک روز کامل را به پوشش داده است و این به معنای اصیل بودن «مسیره یوم» است.

۳- علامه حلی (م ۷۲۷ ق) در تذکره:

إنما يجب التقصير في ثمانية فراسخ ... و لاختلاف عندنا في وجوب التقصير في الثمانية، لأن سماعه سأل عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيره يوم و ذلك بریدان و هما ثمانية فراسخ ... لأنه حينئذ قد شغل يومه بالسفر، فحصلت المشقة المبيحة للقصر، وكذا غيرها من الروايات (حلی، ۱۴۱۴: ۳۶۹ و ۳۷۰).

۴- احمد بن فهد حلی (م ۸۴۱ ق) در المهذب البارع:

«أقول: لا قصر فيما دون المسافة ... فيكفي مسير يوم للقنول و الحمل سيرا معتدلاً في النهار المعتدل، لأنه لو لم يجب في مسيره يوم لم يجب في مسيره سنة؛ لزوال المشقة براحة الليل» (حلی، ۱۴۰۷: ۴۸۰).

۵- شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) در روض الجنان:

شهید ثانی نیز در روض الجنان می‌نویسد: «انما يجب التقصير بستة شروط، الاول: السفر الى المسافة و هي ثمانية فراسخ وقد ورد تقدير المسافة بثمانية فراسخ معللاً في خبر الفضل بن شاذان ... و قد علم من ذلك أن المسافة مسير يوم بسير الاثقال ولما كان ذلك يختلف

باختلاف الارض والازمنه و السیر حمل علی الوسط فی الوسط فی الثلاثه فیعتبر من الحيوان مسير الابل لانها الغالب فی القوافل» (عاملی، بی تا: ۳۸۳).

کلید واژه‌های موجود در این فرمایش شهید ثانی عبارتند از: مسافت، مسیر یوم، سیر انتقال، سیر الابل و سر انجام عبارت «الغالب فی القوافل» اگر مجموع این کلمات را کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که ایشان «مسیره یوم» را اصل در تحقق سفر می‌داند و بقیه امور را عوارضی می‌داند که به این اصل قائمند. سیر ائقال که عبارت از سیر شتر در یک روز متوسط و زمین متوسط و سیر متوسط می‌باشد - نمی‌تواند بیش از هشت فرسخ یا معادل آن باشد؛ لذا هشت فرسخ بدین جهت اهمیت می‌یابد که نهایت سیر متوسط کاروان‌ها در یک روز متوسط می‌باشد. از سوی دیگر بر اساس کلمات شهید از بیان وسایل سیر، شتر، اهمیت یافته است نفس طرح سیر شتر به عنوان وسیله سیر به ویژه به انضمام تعلیل به سیر غالب، مفهوم این مسأله می‌باشد که مسافت مکانی قابل سیر وابسته به وسیله غالب در مسافرت‌ها می‌باشد. از اینجا دیدگاه شهید ثانی در مورد ملاک نبودن سیر شخصی در صدق سفر شرعی نیز فهمیده می‌شود و اینکه ملاک در صدق سفر شرعی سیر متوسط وسایل نقلیه عمومی است که «توسط» در سه عنصر: زمان، مکان و سیر از قیود معتبره آن می‌باشد.

۶- سید محمد عاملی (م ۱۰۰۹ ق) در مدارک الاحکام:

«أما الشروط، فستة: الأول: اعتبار المسافة و هي مسيره يوم، ... و استدلّ عليه في المعتمد: بأنّ المسافة تعتبر بمسير اليوم و هو مناسب لذلك ... و احتمال جدّي (قدّس سرّه) في بعض كتبه تقديم السيره؛ لأنه أضيف و لأنّ الأصل الذي اعتمد المصنف في تقدير الميل - و هو مناسبته لمسير اليوم - يرجع إليه» (عاملی ۱۴۱۱: ۴۲۸).

۷- محقق بحرانی (م ۱۱۸۶ ق) در الحدائق الناضرة:

«ما قدمنا الإشارة إليه من دلالة جملة من تلك الأخبار على أنّ مسافة الثمانية و بياض يوم ... و هذه الأخبار كلّها كما ترى صريحة في أنّ أقلّ مسافة التقصير ثمانية فراسخ و هو بياض يوم» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۲۵).

با دقت و تأمل در کلمات فقهاء رضوان الله عليهم نکات مهمی بدست می‌آید:

۱- مقدار مسافت شرعی، مقدار مسیری است که در یک روز با وسایل نقلیه عمومی و با سرعت متعارف و در زمین متعارف پیموده شود.

۲- هشت فرسخ منوط به یک روز در راه بودن است که با وسائل نقلیه عمومی (قافله شتر) در قدیم طی می‌شده است.

۳- در سفر کوتاه، مشقت نیست و نماز شکسته نمی‌شود (پس مشقت علت است نه حکمت).

۴- اگر نماز در مسیر یک روز شکسته نباشد، در بیشتر آن نیز شکسته نخواهد بود چون مشقت و خستگی سفر با استراحت شب از بین می‌رود.

حاصل آنکه هم در روایات اهل بیت (علیهم السلام) و هم در فتاوی فقها (رحمة الله علیهم) «مسیره یوم» و یا «بیاض یوم» به عنوان ملاک اصیل در تحقق سفر شرعی معرفی گردیده است. لذا مسافت مکانی گر چه در روایات و کلمات فقها به عنوان یکی از ملاک‌ها ذکر شده است ولی پیش از آنکه ملاک در تحقق سفر شرعی باشد، به نوعی تعیین مصداقو تشخیص موضوع است. و موضوعات نیز عمدتاً تابع شرایط زمان و امور اثر گذار بر آن می‌باشند معنی این سخن آنست که موضوعات به علت وابستگی‌شان به امور متغیر، از ثبات و دوام بر خوردار نمی‌باشند. در مسأله تقصیر نیز اتصال آن به امر ثابت اوفق به قواعد است تا پیوند دادن آن به امور متغیر و غیر ثابت. وجوب تقصیر به عنوان یک حکم شرعی در روایات و کلمات اصحاب به دو امر «مسیره یوم» یا «بیاض یوم» به عنوان سنجه زمانی سفر شرعی منوط شده است. واضح است که «مسیره یوم» و یا معادل آن یک امر ثابتی است که تحولات و تطورات وسایل سفر بر آن اثر نمی‌گذارد حال آنکه مسافت‌های مکانی متأثر از تحولات عینی، می‌تواند دچار دگرگونی و تغییر باشد. لذا در برخی از روایات چنانچه که قبلاً نیز مورد بررسی قرار گرفت، به این مسأله توجه داده شده بود ملاک در حد مکانی سفر، مسافتی نیست که با مرکب راهوار مانند اسب و غیره می‌توان طی نمود بلکه ملاک وسایل نقلیه عمومی است که انتقال را حمل می‌نمایند که به طور مشخص از شتر نام برده شده بود و کلمات اصحاب نیز ناظر به همین مسأله می‌باشد. از همه اینها به خوبی روشن می‌شود که ملاک اصلی در سفر شرعی مسیره یوم است.

حال با اختلاف فاحش و قطعی بین هشت فرسخ و یک روز، و با وجود این همه دلایل مختلف راجع به مسیر یک روز، چگونه می‌توان بر معیار بودن هشت فرسخ اصرار ورزید و مسیر یوم را ملاک و معیار قصر ندانست؟!

یعنی امروزه که سفر هشت فرسخی با عمومی‌ترین وسیله نقلیه بیش از حدود نیم ساعت نیست و یقیناً یک روز راه را پوشش نمی‌دهد، و از سوی دیگر در آن مشقت و خستگی نیست چگونه آن را ملاک و معیار شکسته شدن نماز بدانیم.

۷. نتیجه

«حد سفر شرعی طی کردن مسافت یک روز راه است با وسایل نقلیه عمومی هر زمان»

۷-۱ توضیح:

طبق بررسی‌های گذشته، ملاک و معیار اصلی در حد سفر شرعی، «مسیره یوم» و یا به عبارت اخری «بیاض یوم» است - که در احادیث صحیح و حسن و موثق بدان تصریح، و در انتظار فقهاء نیز به وضوح ملاحظه شد- و اگر بخواهد مقدار مسافت زمینی و مکانی آن نیز معلوم شود باید با وسایل نقلیه عمومی هر زمان، و سرعت متعارف آن محاسبه شود. در غیر این صورت لازم می‌آید اصلی‌ترین عنوان یعنی مسیره یوم - که احادیث متعدده از صحیح و حسن و موثق آن را معین فرمود- در مثل زمان ما و زمان‌های آینده، بطور کلی از ملاک بودن ساقط شود.

البته در زمان‌های گذشته وسیله حمل و نقل عمومی برای حمل افراد، شترهای با کجاوه بود، و برای حمل بار بدون کجاوه، که در زمان ما اتوبوس و کامیون و تریلر جایگزین آنها شده است. طبعاً آن وسایل نقلیه در یک روز ۸ فرسخ و به عبارت اخری ۲۴ میل حرکت می‌کردند به همین جهت «مسیره یوم» از نظر مسافت مکانی همین مقدار می‌شد، ولی در این زمان باید دید وسایل نقلیه عمومی عمدتاً در یک روز چند کیلومتر حرکت می‌کنند (که طبق نظر بعض اهل فن حدود ۸۰۰ کیلومتر است) پس اگر مسافر آن مقدار را، که معادل امروزی مسیره یوم است طی نمود و یا مجموع رفت و برگشت او، آن مقدار شد باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار نماید.

۷-۲ توجه به دو نکته

الف: مخفی نیست که مراد از یک روز، نه روز بلند تابستانی است و نه کوتاه زمستانی بلکه روز معتدل بهاری یا پائیزی است همان گونه که از احادیث شریفه مستفاد است و فقهاء بدان تصریح فرمودند.

ب: اکنون با ملاحظه دقیق احادیث شریفه، نه تنها تعلیل و یا حکمت عنوان شده در فرمایش امام رضا (علیه السلام) برای قصر صلاه، از اطراد ساقط نمی‌شود بلکه به وضوح وجود دارد و در مقام استنباط و افتاء، اثر عملی نیز بر آن مترتب است.

فهرست منابع

قرآن کریم

بحرانی، یوسف (۱۴۰۵)؛ الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰)؛ تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین.

حلّی، جمال الدین (۱۴۰۷)؛ المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلّی، حسن (۱۴۱۴)؛ تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

حلّی، جعفر (۱۴۰۸)؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

حلّی، جعفر (۱۴۰۷)؛ المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.

خوبی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸)؛ موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.

صدوق، محمد (۱۴۱۳)؛ من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صدوق، محمد (۱۳۸۵)؛ علل الشرائع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صدوق، محمد (۱۳۷۸)؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: اسلامیة.

صدوق، محمد (۱۴۱۵)؛ المقنع، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.

طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶)؛ مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، محمد (۱۳۹۰)؛ الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

طوسی، محمد (۱۴۰۷)؛ تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

عاملی، حرّ (۱۴۰۹)؛ وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

عاملی، شهید اول، شمس الدین (۱۴۱۲)؛ البیان، قم: محقق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین (بی تا)؛ روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، ط - القدیمة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

عاملی، شهید اول، شمس الدین (۱۴۱۹)؛ ذکرى الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

عاملی، سید محمد (۱۴۱۱)؛ مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

نائینی، محمد حسین (بی تا)؛ فوائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.